



دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد علوم تربیتی
تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

تبیین دیدگاه های انسان شناسی و معرفت شناسی فوکو و
نقد دلالت های آن برای حدود وظایف و اختیارات کنشگران
آموزش و پرورش رسمی

اسماعیل حسینی

استاد راهنما:

دکتر سید مهدی سجادی

استاد مشاور:

دکتر محسن ایمانی

بهمن 1387

صلى الله عليه وسلم

بسمه تعالی

تأییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع کارشناسی ارشد

اعضای هیات داوران نسخه نهایی پایان نامه آقای اسماعیل حسینی تحت عنوان "تبیین دیدگاه های انسان شناسی و معرفت شناسی فوکو و نقد دلالت های آن برای حدود وظایف و اختیارات کنشگران آموزش و پرورش رسمی" را از نظر فرم و محتوا بررسی نموده و پذیرش آن را برای دریافت درجه کارشناسی ارشد پیشنهاد می کنند.

اعضای هیات داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی
۱- استاد راهنما:	دکتر سید مهدی سجادی	استاد یار
۲- استاد مشاور:	دکتر محسن ایمانی	استاد یار
۳- استاد ناظر:	دکتر اکبر رهنما	استاد یار
۴- استاد ناظر:	دکتر علیرضا صادق زاده	استاد یار
۵- نماینده تحصیلات تکمیلی:	دکتر علیرضا صادق زاده	استاد یار

تقدیم:

به روح بزرگ مادرم که بهترین

معلم اخلاق بود

و

به همسر و فرزند عزیزم

و

به آنان که می اندیشند

تشکر و قدردانی

سپاس آن خدای یکتا را که بی فرمان او قلم را یارای حرکت نیست و اندیشه، بدون اراده‌ی او در حصار جمود و خاموشی است. سپاس او را که در آغاز و انجام راه‌یاریم کرد و طی طریق، بی همراهی او ممکن نبود. سپاس آن یگانه معبودی را که همواره منت دار لطف و احسان بی کس است. ان او یسیریم. و امما بعهد؛

من لیس شکر المخلوق لیس شکر الخالق؛
سپاسگزار راهنمایی‌ها و ارشادات استادانه و صمیمانه‌ی استاد راهنما، جناب آقای دکتر سید مهدی سجادی هستم که در طول تحصیلات همواره اینجانب را مددکار و یاور بودند و با سعه صدر و تدبیر حکیمانه خویش بر بار علمی این پایان نامه افزودند.

از استاد مشاور، جناب آقای دکتر محسن ایمانی، که در تمام مراحل انجام تحقیق، استادانه و به هر طریق ممکن در راهنمایی و کمک به اینجانب دریغ نفرمودند قدردانی و تشکر می‌نمایم.

از اساتید داور، جناب آقایان دکتر علیرضا صادق زاده و دکتر اکبر رهنما تشکر و قدردانی می‌نمایم که ضمن قبول داوری این پایان نامه مرا از راهنمایی‌های خویش بی بهره نفرمودند.

همچنین از تمام عزیزانی که به انحاء مختلف در به انجام رسیدن این تحقیق نقش داشته‌اند صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نمایم.

چکیده

این تحقیق، به منظور تبیین دیدگاه‌های انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی فوکو و نقد دلالت‌های آن برای حدود وظایف و اختیارات کنشگران آموزش و پرورش رسمی (دولت، مدیر، معلم) انجام شد. جهت پاسخگویی به سؤالات پژوهش از روش تحلیل استنباطی و شیوه گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای استفاده گردید. نتایج پژوهش حاکی از آن است که بر اساس دیدگاه انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی فوکو دلالت‌های زیر قابل استنتاج است.

آموزش و پرورش در پی کشف معنا نیست بلکه وظیفه آن خود آفرینی است. آموزش و پرورش فاقد بنیان‌های ثابت و جهانی است چون حقیقت امری متکثر و زمانمند است؛ لذا روش‌های ثابت و یکسان در تعلیم و تربیت مردود است. بر اساس مفهوم کثرت‌گرایی فوکو همه فرهنگ‌ها در کانون توجه آموزش و پرورش قرار می‌گیرند. آموزش و پرورش مد نظر فوکو ضد اقتدار‌گرایی است؛ لذا علائق اعضای جامعه تا آنجا که ممکن است مورد توجه قرار می‌گیرد. آموزش و پرورش باید انتقادی باشد لذا سخن معلم و متون درسی امری مقدس تلقی نمی‌شود. در آموزش و پرورش توجه به عنصر «دیگری» نقش اساسی دارد یعنی معلم بتواند دانش آموز را از عناصر دیگر و فرهنگ‌های دیگر مطلع کند. آموزش و پرورش مبتنی بر گفتمان است لذا برای نقد گفتمان آموزش و پرورش باید عناصر یا رخدادهای پوشیده را به داخل گفتمان برگردانیم. در اراده معطوف به حقیقت این گفتمان شک و تردید کنیم؛ یعنی اینکه فکر نکنیم آموزش و پرورش همیشه در پی کشف یا دست‌یابی به حقیقت است.

بر اساس اصول روش‌شناسی فوکو دانش آموزان می‌توانند شرایط امکان هر دوره را بشناسند و اینکه هر دوره‌ای ویژگی‌های خاص خود را دارد لذا دانش آموزان عصرهای تاریخی را با ملاکها و معیارهای مشخص و یکسان مورد بررسی قرار نمی‌دهند.

بر اساس دیدگاه فوکو دولت یا دستگاه حاکم نمی‌تواند به طور کامل آموزش و پرورش را در انحصار خود در آورد و یک نقش روبنایی دارد بنابر این آموزش و پرورش به سمت غیر متمرکز شدن پیش می‌رود. همچنین در زمینه وظیفه و اختیارات مدیر در آموزش و پرورش اساساً پست مدرن‌ها و فوکو هم از تکرار گیری اصطلاح «مدیریت» خود داری می‌کنند و به جای آن اصطلاح «رهبری» را به کار می‌برند، چون در رهبری مناسبات انسانی حاکم است. لذا از نظر فوکو رهبر بر حسب اقتضاء توسط دیگران برگزیده می‌شود بنابراین در مدرسه همه قدرت در شخصی به نام مدیر متمرکز نمی‌شود. وظیفه و اختیار معلم هم در آموزش و پرورش ایجاد تحول و ارتباط موضوعات مختلف درسی با مسائل وسیعتر اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است و به عنوان یک روشنفکر نقش ساختار زدایی خود را از فرهنگی که در آن زندگی می‌کند ایفا خواهد کرد.

اما نقدی که به این دیدگاه وارد است این است که حدود وظایف و اختیارات کنشگران آموزش و پرورش کاملاً مشخص و تعریف شده نیست لذا رسیدن به اهداف آموزشی و تربیتی با مشکل مواجه خواهد شد.

کلمات کلیدی: انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی، میشل فوکو، دلالت‌های تربیتی، آموزش و پرورش

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات تحقیق

صفحه	عنوان
۲	۱-مقدمه
۳	۱-۱-تعریف مسأله
۵	۲-۱-هدف از انجام تحقیق
۵	۳-۱-سئوالات حقیق
۵	۴-۱-ضرورت و اهمیت انجام تحقیق
۶	۵-۱-مفاهیم کلیدی
۸	۶-۱-روش انجام تحقیق
۹	۷-۱-شیوه گردآوری اطلاعات

فصل دوم: ادبیات تحقیق

۱۱	مقدمه:
۱۱	۱-مبانی نظری
۱۱	۱-۱-۲-مدرنیسم و شاخصه های بارز آن
۱۳	۲-۱-۲-مدرنیته و تعلیم و تربیت
۱۴	۳-۱-۲-مفهوم و تعریف پست مدرنیته
۱۹	۴-۱-۲-پیشگامان پست مدرنیسم
۱۹	۴-۱-۲-۱-نیچه
۲۱	۴-۱-۲-۲-هایدگر
۲۲	۵-۱-۲-اصول و مبانی پست مدرنیسم
۲۴	۶-۱-۲-دو تن از فیلسوفان پست مدرن
۲۴	۶-۱-۲-۱-لیوتار
۲۶	۶-۱-۲-۲-دریدا
۲۷	۷-زندگی و آثار فوکو
۳۵	۸-کتاب شناسی فوکو
۳۷	۹-محور اصلی اندیشه فوکو
۴۰	۱۰-پیشینه تحقیقات
۴۰	۱۰-۱-تحقیقات خارجی

۴۲.....۲-۱۰-تحقیقات داخلی.....

فصل سوم: یافته های پژوهش

۴۶.....	مقدمه:
۴۶.....	۱-۳ انسان شناسی
۵۳.....	۲-۳ معرفت شناسی
۵۵.....	۱-۲-۳ روش شناسی.....
۵۵.....	۱-۲-۳-۱-دیرینه شناسی.....
۶۰.....	۲-۱-۲-۳ تبارشناسی.....
۶۴.....	۳-۱-۲-۳ ویژگی روش شناسی.....
۶۷.....	۲-۲-۳ نظامهای دانایی.....
۶۸.....	۱-۲-۲-۳ نظام دانایی در عصر رنسانس.....
۷۲.....	۲-۲-۲-۳ نظام دانایی در عصر کلاسیک.....
۷۵.....	۳-۲-۲-۳ نظام دانایی در عصر مدرن.....
۷۷.....	۳-۲-۳ گفتمان.....
۸۵.....	۳-۳ اخلاق از نظر فوکو.....
۹۳.....	۴-۳ نقد دیدگاه های فلسفی فوکو.....

فصل چهارم: دلالتهای تربیتی

۱۰۱.....	دیدگاه های تربیتی فوکو.....
۱۰۴.....	۱-۴ اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه فوکو.....
۱۰۵.....	۲-۴ مدرسه.....
۱۰۸.....	۳-۴ برنامه درسی.....
۱۰۹.....	۴-۴ روشهای آموزش.....
۱۱۱.....	۵-۴ معلم و دانش آموز.....
۱۱۴.....	۶-۴ مفاهیم کلیدی در تعلیم و تربیت مد نظر فوکو.....
۱۱۴.....	۱-۶-۴ تنبیه.....
۱۱۸.....	۲-۶-۴ انضباط.....
۱۲۲.....	۳-۶-۴ امتحان.....
۱۲۴.....	۷-۴ نقاط قوت دیدگاه فوکو در زمینه تعلیم و تربیت.....
۱۲۷.....	۸-۴ دلالتهای تربیتی دیدگاه فوکو.....
۱۳۳.....	۹-۴ نقد دیدگاه های تربیتی فوکو.....

فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات

۱۳۸.....	مقدمه
----------	-------------

- ۱-۵ پاسخ به سؤالات تحقیق ۱۴۰
- ۱-۵-۱ سؤال اول: ۱۴۰
- ۱-۵-۲ سؤال دوم: ۱۴۳
- ۱-۵-۳ سؤال سوم: ۱۴۶
- ۲-۵ پیشنهادات ۱۴۷
- منابع ۱۴۹
- کتب فارسی ۱۴۹
- رساله ها و پایان نامه ها ۱۵۳
- کتب لاتین ۱۵۴
- چکیده لاتین ۱۵۶

فصل اول :

کلیات تحقیق

1- مقدمه: میشل فوکو از متن‌فردترین فیلسوفان پست مدرن می باشد که شهرت جهانی دارد، در تعبیرهای گوناگون وی را "فرزند ناخلف ساختارگرایی" دیرینه شناس فرهنگ غرب، پوچ انگار و ویرانگر علوم اجتماعی رایج خوانده اند. بسیاری از شارحان آثار فوکو برآنند که نمی توان اندیشه او را به آسانی در درون شاخه های علوم اجتماعی متداول طبقه بندی کرد. با این همه اثر اندیشه او بر بسیاری از حوزه های علوم اجتماعی و فلسفه پایدار و ماندگار خواهد بود.

"فوکو چشم اندازهای یکسره نوینی در فلسفه، تاریخ و جامعه شناسی گشود، نگرش و موضوعات مورد بحث او در جامعه شناسی، تاریخ و علوم سیاسی واجد اهمیت بسیاری هستند" (بشیریه، 1379ص13). اما در برخی زمینه ها همچون تعلیم و تربیت تأثیر او غیر مستقیم است. «متخصصین تعلیم و تربیت هنوز در آغاز اکتشاف ارتباط اندیشه های میشل فوکو در زمینه کاری خودشان هستند.» (Palmer 2001 P. 174). با این وجود در زمینه اهمیت آموزش و پرورش، در کتاب پاسخ به حلقه معرفت شناسی چنین عنوان می کند که: «نظریه گفتمانی بیشتر از هر چیز به اخلاق وابسته است و اخلاق نیز بی شک در گرو تعالی و تکامل فردی است و تکامل فردی نیز خود، در گرو سیستم آموزشی و تربیتی است، لذا سجایای اخلاقی مانند تعقل گرایی، انتقاد پذیری و همکاری در بستر آموزشی مناسب به وجود می آید و بی شک منطق گفتمانی و به طور اخص گفتمان فرهنگها و تمدنها وابسته به سیستم آموزش و پرورش هر تمدن می باشد (نیمروزی، ص40). بی شک وی تحت تأثیر اندیشه های مارکس، فروید و نیچه قرار داشته ولیکن آمیزه غریبی از آنها پرورده و فرآورده تازه ای به دست داده است. به نظر فوکو این سه اندیشمند فضایی را ایجاد کرده اند که در درون آن اندیشه مدرن و به ویژه نگرش تعبیری نوین پدید آمده است. "مرزهای اصلی جهان اندیشه فوکو را پدیدار شناسی، هرمنیوتیک، ساختارگرایی و مارکسیسم تشکیل می دهند اما رشته اصلی اندیشه فوکو را می توان در بحث او از پیدایش عقلانیتهای خاص و پراکنده در حوزه های گوناگون جامعه یافت" (بشیریه، 1379ص14). بنابراین

آنچه که در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد تبیین و نقد دیدگاه‌های انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی میشل فوکو در حوزه تعلیم و تربیت و اختیارات کنشگران آموزش و پرورش رسمی بر اساس آن می‌باشد.

1- **تعریف مساله:** کانت معتقد است: "تعلیم و تربیت مهمترین و مشکل‌ترین مسأله‌ای است که انسان با آن درگیر است... دو ابداع بشری را می‌توان مشکل‌ترین مسأله انسان به حساب آورد: هنر حکومت بر انسانها و هنر تعلیم و تربیت آنها..." (یمنی، 1383ص 11). موضوع علوم انسانی و محور همه آنها هم "انسان" است و علوم تربیتی و نظامها و سیستمهای تربیتی نیز از اصل مذکور پیروی می‌کنند و انسان را سنگ بنا و قطب بررسیها و مباحث خود قرار می‌دهند (پژوهشکده حوزه و دانشگاه، 1382ص 396). بنابراین دگرگون کردن آدمی وانگیختن تحولی در او، بدون داشتن تصویر و توصیفی از وی میسر نیست. در هر نظام تربیتی، توصیف انسان، به منزله سنگ بنای آن است، زیرا همه اجزای یک نظام تربیتی، اعم از مفاهیم، تمثیلهای، اهداف، اصول، روشها و مراحل تربیت، به نحوی ناظر به وضع انسان است (باقری 1380ص 11).

نگاه فوکو هم به انسان، موضعی است که او آن را دیرینه شناختی می‌نامد. فوکو هر معنایی را که بخواهد انسان را در یک قاعده مشخص، تعریف کند، به شدت رد می‌کند. وی می‌گوید انسان دارای هیچ موضع ثابت و مشخصی نیست، زیرا از درون چیزی برای ثابت ماندن ندارد. (سرخوش و جهان‌دیده، ص 42).

نقدهای تند فوکو از مدرنیته، تعلیم و تربیت را هم به عنوان چهره‌ای از مدرنیسم در بر می‌گیرد و نظام‌های تربیتی را به چالش می‌کشاند و دست اندرکاران تربیتی را با شرایط دیگری روبه‌رو می‌کند و آنگاه وظیفه و اختیارات آنها در حوزه تربیت کاملاً دگرگون می‌شود. بنا براین طرح دیدگاههای پست مدرنیستی فوکو در حوزه تعلیم و تربیت این چالش را ایجاد می‌کند که چه کسی یا چه کسانی به عنوان عاملین (کنشگران) تربیت (رسمی) مطرح می‌باشند و دیدگاه کدام

یک بر دیگری ارجح است؟ و حدود و وظایف و اختیارات هر کدام از کنشگران تعلیم و تربیت چگونه است؟ واقعیت این است که نقش دولتها، در امر تعلیم و تربیت، نقشی تاریخی بوده است و حتی فیلسوفی مانند افلاطون، معتقد بود که کودکان را باید به دست حکومت سپرد تا به تربیت او همت گمارند. به همین ترتیب مدیران و معلمان به عنوان عاملین یا کنشگران امر تربیت دارای وظایف و اختیارات خاص خویش بوده اند. اما چنانکه گفته شد امروزه وجود اندیشه های گوناگون این حوزه از اختیارات کنشگران را به چالش کشیده است. از طرف دیگر یکی از مفاهیم کلیدی مورد بحث فوکو، قدرت می باشد. «فوکو کوشیده است نشان دهد که سخن علم از طریق تولید موضوع خود اعمال قدرت و کنترل نسبت به آن را فراهم می آورد، علمی مانند تعلیم و تربیت و روانشناسی موضوع خود را خلق یا جعل می کنند و آنگاه آنها را در موقعیتهای کلاس درس یا درمانگاه به سیطره می گیرند» (باقری، 1375، ص 76). بنابراین طبق نظر فوکو در مدارس مدیر و معلمان به عنوان مراجع قدرت و متون درسی و مواد آموزشی به عنوان ابزار قدرت هستند، یعنی مدیر و معلم عاملین نامریی قدرت هستند، بنابراین روشهای تدریس مرجع محور خواهد بود و مطابق با اندیشه فوکو باید از مرجعیت معلم کاسته شود و برای تحقق این امر آگاه بار آوردن دانش آموز مهم است تا دانش آموز نقاد بار آید، نقدی آگاهانه که بتواند وضعیت را درست تحلیل کند و قدرت پنهان را پشت ظاهری انسان نما تشخیص دهد. حال آنچه که در این تحقیق مورد بررسی قرار می گیرد، تبیین دیدگاه های انسان شناسی و معرفت شناسی میشل فوکو به عنوان چهره مطرح پست مدرنها و نقد دلالتهای آن برای حدود وظایف و اختیارات کنشگران آموزش و پرورش رسمی می باشد. که در این پژوهش کنشگران شامل دولت، مدیران و معلمین می باشند. بنابراین باید حوزه اختیارات و وظایف این کنشگران را در نظام آموزش و پرورش رسمی بر اساس دیدگاه فوکو تعیین کنیم و آنگاه آن را مورد نقد و بررسی قرار دهیم، چرا که نظام آموزش و پرورش ما خود نظامی مستقل است، که بیشتر مبتنی بر آموزه های دینی و اسلامی می باشد و البته

نمی توان آنچه را که بوسیله یک متفکر غربی مطرح می شود بدون در نظر گرفتن جوانب امر آن را به کار گیریم زیرا خود فوکو هم در کتاب پاسخ به حلقه معرفت شناسی عنوان می کند که : نمی توان با آموزش صرف و تغییر اجباری سیستم آموزش و پرورش ، شیوه گفتار ، رفتار و منش یک سیستم آمریکایی را به کشوری آسیایی تحمیل کرد و توقع داشت که همخوانی فرهنگی - آموزشی بوجود آید (نیمروزی، ص 38).

1-2 اهداف: اهداف این تحقیق عبارتند از:

- 1- بررسی ویژگیهای انسان و دلالتهای تربیتی دیدگاه انسان شناسی و معرفت شناسی فوکو .
- 2- نقد دلالتهای تربیتی دیدگاه انسان شناسی و معرفت شناسی فوکو و حدود وظایف و اختیارات کنشگران آموزش و پرورش رسمی (دولت ، مدیران ، معلمان) بر اساس آن.

1-3 سوالات تحقیق :

- 1- دلالتهای تربیتی انسان شناسی و معرفت شناسی فوکو چیست؟
- 2- حدود وظایف و اختیارات کنشگران آموزش و پرورش رسمی بر اساس دیدگاه های تربیتی فوکو چگونه است؟
- 3- چه نقدهایی بر دلالتهای تربیتی مربوط به حدود وظایف و اختیارات کنشگران (دولت، مدیران و معلمان) آموزش و پرورش رسمی منبعث از آراء فوکو وارد است؟

4- **ضرورت تحقیق** : اندیشه حد و مرز نمی شناسد یعنی بدون اجازه ما وارد جامعه می شود و ذهن ما را به خود مشغول می دارد و اندیشه های ما را خدشه دار می کنند . و در دنیای معاصر هم به جهت رشد و گسترش تکنولوژی و انواع رسانه ها ، اندیشه ها به سرعت در حال گسترش هستند، مخصوصاً اگر صاحب این اندیشه ها دارای قدرت و جاذبه های خاصی باشد، آن وقت با حرص و ولع بیشتر پذیرفته می شوند. اما به این معنا نیست که ما چشم و گوش خود را ببندیم، بلکه ما باید در تعامل با دنیا ی معاصر باشیم، چرا که بدون وقوف بر اندیشه های گوناگون

به رشد و شکوفایی خواهیم رسید، آنچه که مهم است اهمیت اندیشیدن است و اینکه این اندیشه ها را چگونه باید هضم کرد، برای اینکه اندیشه یک شی خالص و بی زوائد نیست بلکه پدیده ای پیچیده و پر از اجزاء می باشد، یعنی اندیشه ها جامه های زیادی را بر تن می کنند و چیزهای زیادی اطراف آنها را گرفته است، به همین جهت وقوف بر اندیشه ها و درک و نقد آن می تواند بر وسعت و دامنه آگاهی ما بیفزاید، و به حل مشکلات جامعه کمک نماید، لذا با توجه به اینکه اندیشه های فوکو در حوزه های گوناگون تأثیر گذار می باشد، تأثیر آن بر تعلیم و تربیت نیز قابل تأمل است، چرا که تعلیم و تربیت وجهی از مدرنیسم است که فوکو آن را به چالش کشیده است «وقتی که فوکو تمدن مدرن را شالوده شکنی می کند، در واقع می خواهد که تمدنهای سرکوب شده را آزاد کند، لذا تعلیم و تربیت مدرن هم به عنوان وجهی از مدرنیسم، نمی تواند الگوی کامل و جهان شمول باشد» (فیرخی، داوود، همایش، 1386). لذا «مطالعه افکار فوکو از سه جهت برای جامعه ما سودمند است: اول وجه صوری فکر او، مانند استفاده ای که ادوارد سعید از فوکو نمود. دوم توجه به فوکو برای درک مدرنیته. سوم دیدن آینده خود در اندیشه های فوکو» (کچویان، 1386، همایش). بنابراین لازم است به دور از تعصب و از سر انصاف و آگاهی به تحلیل آن همت گماریم و نقاط ضعف و قوت آن را دریابیم و از نقاط مثبت آن نیز بهره مند شویم. بر این اساس و با توجه به تاثیرات رو به گسترش پست مدرنیسم در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دینی و تربیتی، و دیدگاه فوکو به طور خاص، شناخت هرچه دقیق تر آن لازم و ضروری است و نیاز به پژوهشهای منظم و سازمان یافته دارد که انجام پژوهش حاضر در پاسخ به این نیاز است.

1-5 مفاهیم کلیدی:

تبیین، انسان شناسی، معرفت شناسی، نقد، دلالت های تربیتی، کنشگران آموزش و پرورش رسمی.

انسان شناسی: از دو کلمه (Anthropos) به معنی انسان و (logos) به معنی مطالعه ، شناخت یا دلیل گرفته شده است . انسان شناسی راه یا کل راه های مطالعه انسان و خویشاوندان نزدیک است (عسکری خانقاه اصغر و کمالی محمد شریف ، 1378ص13). از نظر فلسفی انسان شناسی بیشترین حجم از مباحث تعلیم و تربیت را به خود اختصاص داده است و مسأله اساسی آن بررسی ماهیت آدمی است (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه ، 1384ص7).

معرفت شناسی: به لحاظ معنی لغوی اصطلاحی است که از دو کلمه یونانی " Episteme " به معنی دانش " knowledge " و " logos " به معنی بحث و گفتگو " Discourse " مشتق شده است چنانکه در لغت نامه وبستر " webster " آمده است : معرفت شناسی تئوری یا علمی است که پیرامون ریشه ، ماهیت و محدودیتهای علم (معرفت) تحقیق و جستجو می کند. همچنین گود " good " در لغت نامه تعلیم و تربیت در مورد معرفت شناسی می نویسد : معرفت شناسی بخشی از فلسفه است که پیرامون امکان و روشهای رسیدن به دانش معتبر و کشف ریشه ها و ماهیت و حدود آن تحقیق می کند (سجادی ، 1376 رساله دکترا). به طور کلی معرفت شناسی امکان معرفت ، نوع یا انواع معرفت و طرق کسب معرفت یا دانستن را در بر می گیرد (شعاری نژاد، 1376ص83).

نقد: در لغت به معنی تصفیه کردن چیزی از ناخالصی ها ، بخشیدن چیزی به کسی ، آماده تحویل دادن ، آماده تحویل گرفتن و نیز به معنی خالی کردن درون چیزی و چشم دوختن به چیزی به منظور ربودن آن و نشان دادن خوبی ها و بدی های آن است (صلیبا ، جمیل ، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی ، 1366).

آموزش و پرورش : با توجه به اینکه معنای لغت «تربیت» نه تنها برای همه کسانی که آن را به کار می برند روشن نیست بلکه اکثر متخصصان هم درباره مفهوم آن اتفاق نظر کامل ندارند بنابراین به دو تعریف از آموزش و پرورش اکتفا می کنیم .

لفظ «آموزش و پرورش» در مفهومی وسیع، به کلیه فرایندهایی اطلاق می‌شود که زندگی فرهنگی را برای انسان تأمین می‌کند اما به مفهومی رسمی‌تر و عامدانه‌تر، آموزش و پرورش در مدرسه تحقق می‌یابد. نهاد اجتماعی ویژه‌ای که به منظور پروردن مهارت‌ها، دانش‌ها و ارزش‌های مطلوب در متعلمان تأسیس شده است (پاک سرشت، 1384، ص 11).

«آموزش و پرورش رسمی به مجموعه ساخت‌هایی اطلاق می‌شود که در زمان معینی در یک کشور یا در گروهی از کشورها غایتشان تربیت افراد ملت است؛ طبق مقررات بیش و کم دقیقی کار می‌کنند و در لحظه معینی از تاریخ خصوصیات نسبتاً ثابتی دارند» (شکوهی، 1385، ص 25).
تبیین: به تحلیل و جوهر یابی نیز ترجمه شده است. عبارت است از مرحله یا شکلی از مطالعه علمی که عبارت از کشف ماهیت پدیده مورد مطالعه است (دانیل لیتل، 1372، ص 20).
تعیین علت پدیده حادثه، هدف تبیین مشخص کردن شرایط مقدمی است که در تعیین یک حادثه مؤثر هستند (نوذری، 1379، ص 15).

دلالت: راهنمایی، هدایت، راهبری، رهنمونی و نشانه‌ها (دهخدا، 1375، ص 1105).

دلالت‌های تربیتی: تعلیم و تربیت تحت تأثیر رویکردها و مبانی فلسفی، روانشناسی، جامعه‌شناسی و دینی قرار دارد و هر مکتب فکری با توجه به جهان بینی و ایدئولوژی خاص خود اصول و ویژگی‌های آن را تعریف و استخراج می‌کند (دشتی، 1383، ص 10).

کنشگران آموزش و پرورش رسمی: دولت، مدیران مدارس، معلمین

1-6 روش انجام تحقیق: با توجه به موضوع تحقیق، روش پژوهش حاضر بر نوع تحلیل استنباطی استوار است؛ در این روش نظر بر آن است که لوازم یا دلالت‌های (implication) دیدگاه انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی فوکو برای تعیین حدود وظایف و اختیارات کنشگران آموزش و پرورش رسمی مورد استنباط و استنتاج قرار گیرد. برای این کار، با فرض گرفتن مقدمه‌هایی در

قالب یک قیاس عملی (practical syllogism) می توان به نتایجی دست یافت (فرانکا 1996). منظور از قیاس عملی که نخستین بار توسط ارسطو مطرح گردیده استدلالی است که در آن می توان با در نظر گرفتن پاره ای گزاره های توصیفی - تبیینی و پاره ای گزاره های تجویزی به استنتاج گزاره های تجویزی پرداخت (باقری و همکاران ، زیر چاپ، 1387).

1-7 شیوه گردآوری اطلاعات: استفاده از سایت های مختلف اینترنتی و دریافت اطلاعات از آنها

استفاده از پایان نامه فارغ التحصیلان تحصیلات تکمیلی و دیگر تحقیقات انجام شده .

استفاده از مقالات موجود در مجلات موجود.

استفاده از کتب مربوط به این موضوع .

فصل دوم: ادبیات تحقیق

1- مبانی نظری

2- پیشینه تحقیق

مقدمه:

در این فصل برای شناخت فوکو به طور اجمالی مطالبی در مورد مدرنیسم و پست مدرنیسم و شاخصه های آن و تعلیم و تربیت مدرنیستی و پست مدرنیستی بیان می کنیم و آنگاه پیشگامان پست مدرنیسم و دو تن از متفکران پست مدرن را هم مورد بحث قرار می دهیم سپس زندگینامه فوکو ، آثار وی ، فعالیتها و کتابشناسی و آنگاه تحقیقات خارجی و داخلی که در حوزه تعلیم و تربیت و بر اساس دیدگاه وی انجام گرفته ، مورد بحث و بررسی قرار می گیرد .

1- مبانی نظری :

در سخن از پست مدرنیته مسلماً بحث از مدرنیسم هم پیش می آید، چون پست مدرنیته به یک معنا ارزیابی مدرنیته می باشد . فلسفه مدرنیته بر پایه سوپژکتیویسم و راسیونالیسم از دکارت شروع می شود و کانت نیز با استفاده از نقد، دو دستاورد مدرنیته -علم و اخلاق- را توجیه عقلانی می کند. بنابراین بحث از مدرنیته لازمه فهم پست مدرنیسم می باشد و در این قسمت پس از نگاهی گذرا به مدرنیسم شاخصه های آن و تعلیم و تربیت مدرنیستی ، پست مدرنیته را به طور مفصل تری مورد بررسی قرار خواهیم داد .

1-1-2 مدرنیسم و شاخصه های بارز آن:

کلمه مدرنیته (Modernity) از ریشه لاتینی (Modernus) می باشد که خود از لفظ Mode مشتق شده است که در زبان لاتینی Mode به معنای اخیراً ، به تازگی و اکنون است. مدرنیته بیانگر نوآوری ، خلاقیت ، پیشرفت ، رشد، تکامل و سلیقه می باشد، بنابراین نقطه مقابل کهنه پرستی ، گذشته گرایی، رکود، عقب ماندگی و سنت می باشد . به لحاظ تاریخ تمدن و فرهنگ، مدرنیته "به شیوه هایی از زندگی یا سازمان اجتماعی مربوط می شود که از سده هفدهم به بعد در اروپا پیدا شد و به تدریج نفوذی کم و بیش جهانی پیدا کرد.(گیدنز، 1377ص4).